





دوفصلنامه مطالعات موزه‌ای زرین فام  
دوره ۳، شماره ۴، بهار و تابستان ۱۴۰۴  
شاپا چاپی: ۹۲۴۷-۲۹۸۰  
شاپا الکترونیکی: ۹۵۴۱-۲۹۸۰

## نقش مایه‌های تزیینی سنگ‌مزارهای گورستان اسلامی شهسوار ایذه، خوزستان

حسین فیضی   دکتری باستان‌شناسی، مدرس دانشکده باستان‌شناسی شوش، دانشگاه چمران، اهواز، ایران.  
سید رسول موسوی حاجی استاد گروه باستان‌شناسی، دانشگاه مازندران، بابلسر، ایران.

انتشار: ۱۴۰۴/۰۶/۳۱

پذیرش: ۱۴۰۴/۰۵/۱۲

دریافت: ۱۴۰۴/۰۲/۰۲

### چکیده

گورستان اسلامی شهسوار ایذه، واقع در شمال خوزستان، با ۶۳۲ سنگ‌مزار و تنوع چشمگیر گونه‌ها و نقش‌مایه‌های تزیینی، از شاخص‌ترین محوطه‌های تدفینی دوره‌های متأخر اسلامی در قلمرو بختیاری به‌شمار می‌رود. این پژوهش با رویکردی بنیادی و تاریخی و بر پایه مطالعات کتابخانه‌ای و میدانی، با بهره‌گیری از رهیافت فرضی-استنتاجی، داده‌های حاصل از گونه‌شناسی و تحلیل نقش‌مایه‌ها را در چارچوب قوم‌باستان‌شناسی، تحلیل نمادین و تفسیر تاریخی بررسی می‌کند. یافته‌ها نشان‌دهنده تنوعی کم‌نظیر از گونه‌های سنگ‌مزار شامل شیرسنگی، مطبق کنگره‌دار، محرابی و انسانی است که هر یک واجد کارکردها و دلالت‌های نمادین و اجتماعی خاص‌اند. نقش‌مایه‌های حک‌شده در پنج گروه انسانی، حیوانی، گیاهی، ابزارآلات جنگی و اشیاء طبقه‌بندی می‌شوند. تحلیل آماری بیانگر غلبه نقوش ابزارهای نظامی دوره قاجار است؛ امری که افزون بر تداوم سنت سلحشوری در میان بختیاری‌ها، بازتابی از گفتمان ملی‌گرایی و بازخوانی مفاهیم حماسی ایران باستان در این دوره تلقی می‌شود. نقوش حیوانی همچون شیر، بز کوهی و اسب حامل معانی اسطوره‌ای، قدرت‌نمایی و هویت قومی‌اند. نقش‌مایه‌های انسانی، عمدتاً به‌صورت تجریدی، بازتاب‌دهنده منزلت شغلی و جایگاه اجتماعی متوفیان هستند؛ از جمله نقش نادر «میرزا» که بیانگر شأن آموزشی و فرهنگی آموزگاران مکتب و قرآن‌خوانان/شاهنامه‌خوانان در جامعه بختیاری است. همچنین نقوش مرتبط با قالبیابی، شانه و کفش به‌عنوان شاخص‌های جنسیت و حرفه تفسیر می‌شوند. نتایج نشان می‌دهد سنگ‌مزارهای شهسوار فراتر از کارکرد آیینی، حامل روایت‌های هویتی، اجتماعی و فرهنگی قوم بختیاری‌اند و مطالعه آن‌ها به فهم پیوند سنت‌های ایرانی-اسلامی در دوره متأخر یاری می‌رساند.

**واژگان کلیدی:** گورستان اسلامی، شهسوار ایذه، نقش‌مایه‌های تزیینی، سنت‌های ایرانی-اسلامی.

**استناد:** فیضی، حسین، موسوی حاجی، سید رسول (۱۴۰۴). نقش‌مایه‌های تزیینی سنگ‌مزارهای گورستان اسلامی شهسوار ایذه، خوزستان. *مطالعات موزه‌ای زرین فام*، ۳(۴)، ۱۶۱-۱۷۹.

<https://doi.org/10.30481/museum.2026.570636.1074>

© ۲۰۲۵/۱۴۰۴ نویسنده(گان). این مقاله یک اثر دسترسی آزاد است که تحت مجوز CC BY 4.0 منتشر شده است. استناد و انتشار مجدد این اثر با ذکر منبع درست مجاز است.

## ۱. مقدمه

گورستان یکی از عناصر جامعه اسلامی است و سنگ‌مزارها، با انواع و اشکال گوناگون خود، از ویژگی‌های بارز هنری این محوطه‌ها به‌شمار می‌روند. سنگ‌مزار یکی از اجزای مراسم تدفین و ابزاری برای بیان هویت و تاریخ درگذشت متوفی است. در عین حال، نشانگر وضعیت تاریخی، ادبی، هنری و فرهنگی مناطق مختلف سرزمین ایران بوده و جایگاهی ویژه در انتقال بسیاری از مفاهیم فرهنگ عامه دارد؛ مفاهیمی که برگرفته از عمیق‌ترین باورهای مذهبی و فرهنگی رایج در جامعه اسلامی-ایرانی هستند. اشکال و انواع گوناگون سنگ‌مزارهای اسلامی و نقش‌مایه‌های موجود بر آن‌ها به‌نوعی منعکس‌کننده تأثیرات فرهنگی، هنری و مذهبی در مواجهه با پدیده مرگ‌اند. بررسی اشکال و انواع سنگ‌مزارهای اسلامی می‌تواند اطلاعات باستان‌شناختی ارزشمندی درباره اقوام مناطق مختلف ایران روشن سازد.

یکی از مناطقی که می‌توان این پدیده فرهنگی (سنگ‌مزار) را به‌خوبی در آن پی‌گیری و مطالعه کرد، منطقه ایذه در شمال خوزستان است. منطقه ایذه با طول ۲۳ کیلومتر در امتداد شمال‌غربی-جنوب‌شرقی و عرض ۱۲ کیلومتر در راستای شمالی-جنوبی، در منتهی‌الیه شرقی و شمال‌شرقی خوزستان و در دامنه غربی کوه‌های زاگرس واقع شده است. این منطقه در مختصات ۳۱ درجه و ۴۸ دقیقه عرض شمالی و ۴۹ درجه و ۵۴ دقیقه طول شرقی نسبت به نصف‌النهار مبدأ قرار دارد و ارتفاع آن از سطح دریا ۷۶۴ متر است (افشار سیستانی، ۱۳۶۴: ۴۲۹؛ اقتداری، ۱۳۵۹: ۶۱). بررسی میدانی به‌صورت پیمایشی در منطقه مذکور حاکی از وجود ۲۰ گورستان اسلامی با تراکم بیش از ۲ هزار سنگ‌مزار در اشکال و انواع مختلف در این منطقه (ایذه) است. تمامی آن‌ها متعلق به اقوام و طوایف بختیاری‌اند و قدمت سنگ‌مزارها به دوران متأخر اسلامی (سده دهم هجری تا پایان قاجار) و عصر معاصر می‌رسد.

در میان گورستان‌های منطقه ایذه، گورستان شهسوار از حیث تعدد قبور (۶۳۲) و تنوع سنگ‌مزارها اهمیت بیشتری دارد. ویژگی این گورستان، وجود تمامی انواع و اشکال سنگ‌مزارهای اسلامی منطقه ایذه در فرم‌های گوناگون آن‌ها به‌صورت یکپارچه در این محوطه است. پژوهش حاضر از نظر هدف، در زمره تحقیقات بنیادی و از حیث ماهیت و روش، از نوع تحقیقات تاریخی است. گردآوری اطلاعات مورد نیاز نیز به دو شیوه اسنادی (شناسایی کلیه اسناد، مدارک و منابع مکتوب مرتبط با موضوع پژوهش و مطالعه دقیق آن‌ها) و میدانی (بازدید از گورستان شهسوار ایذه به‌منظور گونه‌شناسی، ثبت مختصات جغرافیایی، عکاسی و طراحی انواع متنوع سنگ‌مزارها) انجام گرفته است. برای تفسیر، تبیین و تحلیل داده‌های گردآوری‌شده از دو رهیافت موسوم به رهیافت تاریخی (استفاده از مدارک مکتوب در تفسیر یافته‌های ساکت و صامت باستان‌شناسی) و رهیافت قوم‌باستان‌شناختی (بهره‌گیری از اطلاعات مردمی در تشریح مفهوم هر یک از انواع نقش‌مایه‌های تزیینی سنگ‌مزارها) استفاده شد.

## ۲. پیشینه پژوهش

در ارتباط با سنگ‌مزارهای گورستان اسلامی شهسوار ایذه تاکنون چهار پژوهش انجام شده است. کلاه کج و نادری (۱۴۰۱) در مقاله‌ای با عنوان «تحلیل معنایی و ساختاری نگارکننده‌های مزارستان دوره اسلامی شهسوار ایذه» به بررسی نقش‌مایه‌های حک‌شده بر سنگ‌مزارها پرداخته و بر اساس یافته‌ها به این نتیجه رسیده‌اند که مکنونات فکری و باورهای مردم این منطقه در سه گونه سنگ‌مزار، شامل شیرسنگی، سنگ‌مزارهای ایستاده و خوابیده، بازنمایی شده است.

موسوی حاجی و همکاران (۱۴۰۲) در مقاله‌ای با عنوان «شیرسنگی کنگره‌دار: گونه‌ای از سنگ مزارهای گورستان اسلامی شهسوار ایذه» گونه‌ای نو یافته از سنگ مزارهای مجسمه‌ای این گورستان را شناسایی و معرفی کرده‌اند. فیضی (۱۴۰۲) در رساله دکتری خود با عنوان «مطالعه سنگ مزارهای گورستان اسلامی شهسوار ایذه»، این گورستان و سنگ مزارهای آن را به صورت سامان‌مند بررسی و مستندسازی کرده است. همچنین فیضی و موسوی حاجی (۱۴۰۴) در مقاله‌ای با عنوان «گونه‌شناسی سنگ مزارهای گورستان اسلامی شهسوار ایذه، خوزستان، ایران» به بررسی و طبقه‌بندی گونه‌های مختلف سنگ مزارهای این گورستان اسلامی پرداخته‌اند.

### ۳. روش پژوهش

در باستان‌شناسی نو و به تبع آن در مکتب روندگرایی یا روندمحور - که هر دو تحت تأثیر و با الهام از مکتب علم‌شناسی «راسیونالیسم انتقادی» شکل گرفته‌اند - تأکید بر آن است که پژوهش‌های باستان‌شناختی باید با هدف حل مسئله یا پاسخ‌گویی به پرسش‌های مشخص انجام شوند. برای تحقق این هدف، لازم است پیش از آغاز پژوهش، به هر یک از پرسش‌های مورد نظر در قالب فرضیه‌های علمی پاسخ داده شود و سپس داده‌های لازم برای ارزیابی، سنجش و نقد این فرضیه‌ها گردآوری گردد. حسن این روش علمی، که در ادبیات باستان‌شناسی به «رهیافت فرضی-استنتاجی» شهرت دارد، در آن است که پژوهشگر خود را در میان انبوهی از داده‌های مادی و حجم گسترده‌ای از مواد خام مطالعاتی سرگردان نمی‌یابد، بلکه تنها با داده‌هایی مواجه است که در پاسخ‌گویی به پرسش‌ها و ارزیابی فرضیه‌های او کارآمدند.

در این پژوهش، ضمن تبعیت از رهیافت فرضی-استنتاجی، برای تشریح و تبیین داده‌های باستان‌شناختی از چارچوب‌های نظری موسوم به «رهیافت تاریخی» (تدوین نظریه‌های میان‌مدت بر پایه مدارک مکتوب و به کارگیری آن‌ها در تفسیر یافته‌های ساکت و صامت باستان‌شناختی)، «قوم‌باستان‌شناختی» (استفاده از اطلاعات مردمی برای پیشبرد تفسیرهای باستان‌شناختی) و «تحلیل نمادها» (رهیافتی موشکافانه برای شناسایی طبقات اجتماعی از طریق نمادهای بیانگر موقعیت اجتماعی افراد) بهره گرفته خواهد شد.

### ۴. موقعیت جغرافیایی گورستان اسلامی شهسوار ایذه

گورستان اسلامی شهسوار در هفت کیلومتری شهر ایذه و در نزدیکی روستای کهباد ۱ (کهباد مرادی) قرار دارد و از نظر مختصات جغرافیایی در ۳۵۲۰۶۸۳ عرض شمالی و ۴۰۱۰۵۸ طول شرقی واقع شده است. این گورستان در دامنه کوه کهباد و مشرف به زمین‌های کشاورزی و یک دریاچه فصلی قرار دارد.

بر فراز کوه و بر سطح صاف صخره‌ای که دقیقاً بر گورستان اسلامی مشرف است، نقش برجسته‌ای متعلق به دوره ایلام قدیم حجاری شده است. قدمت این سنگ نگاره به سبب سادگی بسیار و شباهت صحنه‌های آن با مهرهای استوانه‌ای دوره ایلام قدیم و نیز نمونه‌ای از مهرهای سبک اکدی، به حدود ۲۰۰۰ تا ۱۸۰۰ پیش از میلاد می‌رسد. در سمت چپ این نقش برجسته، شاه یا ایزد ایلامی بر تخت نشسته و صاحب‌منصبی ایلامی چهار نفر را به حضور شخص نشسته بر تخت راهنمایی می‌کند (صراف، ۱۳۹۷: ۵۸).

## ۵. تحلیل نقش مایه‌های تزئینی بر روی سنگ مزارهای گورستان اسلامی شهسوار

نقش به معنای تصویر، ترسیم، صورت، رسم و طرح است (معین، ۱۳۶۴: ۱۳۵). انسان آنگاه که به عرصه اعتقادات، باورها و فرهنگ گام می‌نهد، برای بیان اندیشه‌ها و مفاهیمی که انتقال مستقیم آن‌ها دشوار است، از نقوش بهره می‌گیرد (خورشیدی، ۱۳۹۲). نقش‌های تزئینی نزد هنرمندان ایرانی-اسلامی جایگاهی فراتر از زیبایی ظاهری دارند؛ به گونه‌ای که ظاهر بسیاری از نقوش در هنر ایرانی-اسلامی سرآغاز ادراک معنایی باطنی و نادیدنی به‌شمار می‌رود. از این رو، هدف اصلی هنرمند از آفرینش این نقوش صرفاً زیبا جلوه دادن اثر هنری نبوده، بلکه این عناصر در ویرای ظاهر خود حامل مفاهیم نمادین بوده‌اند (خزائی، ۱۳۸۰: ۲۴).

در میان آثار سنگی، سنگ‌مزارها به‌عنوان هنری ماندگار در فرهنگ ایرانی-اسلامی، همراه با نقش‌های نمادین و سمبلیک حک شده بر آن‌ها، به‌واسطه توجه و حمایت گسترده مسلمانان از جایگاه ویژه‌ای برخوردارند (شایسته‌فر، ۱۳۸۸: ۸۰). بر این اساس، نقش مایه‌ها و تصاویر انتزاعی که سنگ‌تراشان بر مزارها ترسیم کرده‌اند، واجد دو سطح معنا هستند: معنای حقیقی و معنای استعاری و رمزی که ریشه در باورها، اعتقادات و سنت‌های آنان دارد (خورشیدی، ۱۳۹۲). سنگ‌مزارها، همراه با نقش مایه‌های حک شده بر آن‌ها، به‌دلیل ارتباط تنگاتنگ با زندگی متوفی، بستری مناسب برای بازنمایی افکار و عقاید درهم‌تنیده مردمان مناطق مختلف فراهم می‌آورند (شایسته‌فر، ۱۳۸۹: ۹۴).

## ۶. دسته‌بندی نقش مایه‌های تزئینی سنگ مزارهای گورستان شهسوار

گورستان شهسوار میزبان ۶۳۲ سنگ‌مزار است که در کنار یکدیگر صف‌آرایی کرده‌اند و همچون کتابی قطور، روایتگر تاریخ خاک‌خورده مردمانی‌اند که زیر تلباری از خاک آرمیده‌اند. بر بدنه اغلب این آثار سنگی ارزشمند، نقش‌هایی حک شده که بر زیبایی و اهمیت آن‌ها افزوده است. نقش مایه‌های تزئینی بر سنگ‌مزارهای این گورستان صرفاً جنبه آرایشی ندارند، بلکه می‌توانند بیانگر علائق و دل‌بستگی‌های متوفی و بازماندگان او، اعتقادات، موقعیت مکانی و زمانی، و حتی معرف شغل صاحب مزار باشند یا نماد و مفهومی از اسطوره‌ها و اندیشه‌های عمیق گذشته را بازتاب دهند؛ چنان‌که «نمادگرایی یا رمزپردازی ابزاری از دانش کهن و قدیمی‌ترین و اصولی‌ترین شیوه بیان مفاهیم است» (هال، ۱۳۸۰: ۹). بر اساس مطالعات انجام‌گرفته بر سنگ‌مزارهای گورستان شهسوار ایذه، تصاویر حک شده بر این آثار را می‌توان در یک دسته‌بندی کلی در گروه‌های زیر جای داد.

### ۶.۱. نقش مایه‌های انسانی

نقش مایه‌های انسانی از جمله نقوشی‌اند که به‌ندرت و کمتر از سایر نقش‌های تزئینی بر سنگ‌مزارهای گورستان شهسوار دیده می‌شوند. تمامی تصاویر انسانی حک شده بر این سنگ‌مزارها به‌صورت انتزاعی و تجریدی اجرا شده‌اند. در هنر دوره اسلامی، به‌منظور فاصله گرفتن از واقعیت مادی و تقرب به حقیقت الهی، نقوش از حالت طبیعی دور شده و جلوه‌ای تجریدی می‌یابند (صافی‌خانی و دیگران، ۱۳۹۳: ۷۷).

نقوش انسانی بر بدنه سنگ‌مزارها به حالت ایستاده و تمام‌رخ ترسیم شده‌اند. شخص متوفی به‌عنوان نقش اصلی سنگ‌مزار، همراه با ابزارآلات و اشیاء به‌عنوان عناصر فرعی و مکمل به نمایش درآمده است. در مورد بانوان، این نقش‌ها با وسایل و ابزار

قالی بافی، مانند کرکیت، دار قالی، قیچی و کفش زنانه همراه است. در یک نمونه نیز تصویر کره اسب در کنار نقش بانو (سنگ مزار ۱۱۸) حک شده است.

در مورد مردان، نقش انسانی غالباً با ابزار و ادوات جنگی همچون تفنگ، شمشیر، قمه، اسب سواری و در مواردی با حیواناتی نظیر بز کوهی (کل) همراه است. حضور این اشیاء در کنار نقش انسانی بیانگر ویژگی‌ها و خصوصیات متوفی در دوران زندگی اوست. ابزار قالی بافی در کنار نقش بانوان نشان‌دهنده بعد خانه‌داری و مهارت آنان در بافت قالی و گلیم است، و وجود ابزار نظامی همراه با حیوانات وحشی (بز کوهی) در کنار نقش مردان، دلالت بر شکارچی بودن آنان دارد.

### ۶.۲.۱. نقش میرزا

در جریان اجرای پروژه میدانی پژوهش بر سنگ‌مزارهای گورستان اسلامی شهسوار ایذه مشخص شد که این آثار واجد نقش‌مایه‌هایی همچون نقوش گیاهی، انسانی، حیوانی، انواع فرم و اشکال، نقوش هندسی، ابزارآلات نظامی و ابزارهای مرتبط با زندگی روزمره‌اند. در میان این نقش‌مایه‌های پرتکرار تزیینی که اغلب در گونه‌های مختلف سنگ‌مزار مشترک‌اند، دسته‌ای دیگر از نقوش نیز شناسایی شد. این دسته، نقوشی خاص و انحصاری‌اند که بیانگر ویژگی‌های شخصیتی، نوع شغل و حرفه متوفی و جایگاه او در ساختار طبقاتی ایل بختیاری هستند.

یکی از شاخص‌ترین این نقش‌مایه‌ها، نقش موسوم به «میرزا» (آموزگار مکتب) است. در میان تمامی نقوش تزیینی سنگ‌مزارهای گورستان شهسوار، تنها دو نمونه از این نقش شناسایی شده است. این امر نشان می‌دهد که این نقش‌مایه در میان مردم محلی عمومیت نداشته و حجاری آن بر سنگ‌مزار، بیانگر جایگاهی ممتاز و معرف شغل و منصب خاص متوفی در جامعه بختیاری بوده است. از نظر ترکیب‌بندی، نقش میرزا از دو بخش مجزا و در عین حال مرتبط تشکیل شده که مکمل یکدیگرند. بخش نخست، تصویر انتزاعی و تجریدی مردی محلی (بختیاری) را نشان می‌دهد. در هنر دوران اسلامی، برای دوری از واقع‌گرایی مادی و تقرب به حقیقت الهی، نقوش از حالت طبیعی فاصله گرفته و به صورت تجریدی جلوه‌گر می‌شوند (صفی‌خانی و دیگران، ۱۳۹۳: ۷۷).

مرد تصویرشده به رسم ادب و احترام بر دو زانو نشسته و دستان خود را به حالت تضرع بر سینه نهاده است. سنگ‌تراش برای نمایش پاهای جمع‌شده، آن‌ها را از زانو به پایین به صورت مایل حجاری کرده است؛ شیوه‌ای که یادآور حالت عبادت و احترام در نماز است.

بخش دوم، تصویر کتابی قطور را نشان می‌دهد که از میانه گشوده و در برابر چهره میرزا قرار گرفته است؛ به گونه‌ای که خط میانی کتاب دقیقاً مقابل صورت اوست. تمامی عناصر این نقش بیانگر احترام شخصیت اصلی (میرزا) به کتاب گشوده در برابر خویش است (شکل ۱).

**تفسیر نقش میرزا:** میرزا عنوانی است که مردم محلی بختیاری در شمال خوزستان برای آموزگار مکتب به کار می‌بردند. این شخصیت علاوه بر وظیفه آموزش در مکاتب گذشته، مسئول نگارش مکاتبات و اسناد خوانین و کدخداهای محل نیز بوده است. یکی از ویژگی‌های بارز شغل میرزا، مهارت در قرائت قرآن و شاهنامه حکیم فردوسی بوده است. این دو کتاب ارزشمند در مناسبت‌های مختلف و مجالس گوناگون به فراخور مجلس توسط میرزا خوانده می‌شده‌اند.

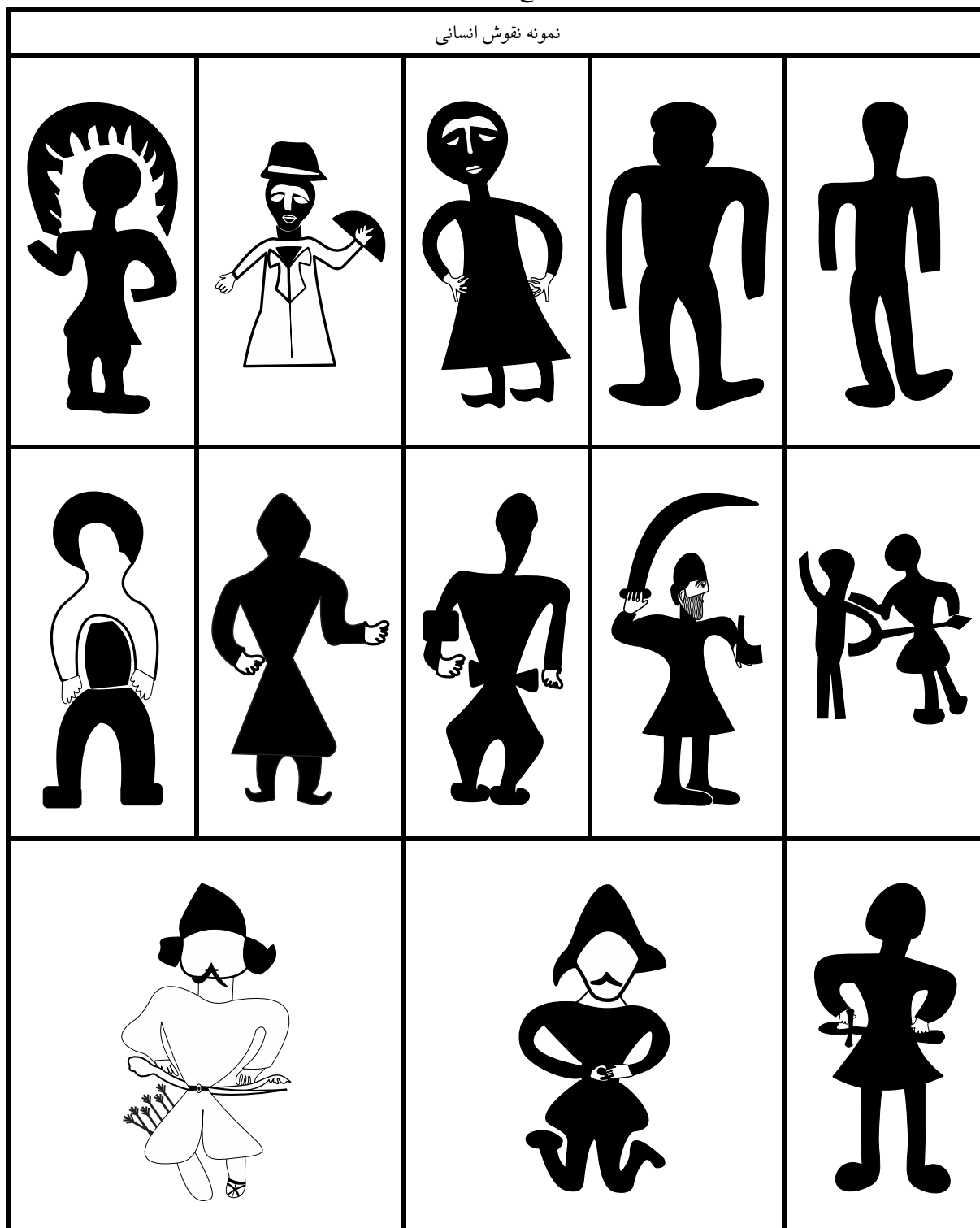
با توجه به جایگاه والای قرآن و شاهنامه در میان اقوام بختیاری شمال خوزستان، می‌توان استنباط کرد که کتاب قطور حک شده در نقش، همان قرآن یا شاهنامه است. مهارت در قرائت این دو کتاب و تدریس آن‌ها در مکتبخانه، موجب ایجاد جایگاهی رفیع و محترم برای فردی به نام میرزا می‌شده است. اهمیت این جایگاه چنان بوده که سنگ تراش شخص متوفی را در کسوت میرزا، قرآن یا شاهنامه‌خوان، بر روی سنگ مزار تصویر کرده است.

در میان تمامی نقش‌مایه‌های تزئینی سنگ‌مزارهای گورستان اسلامی شهسوار (ایذه)، تنها دو نمونه از این نقش خاص شناسایی شده است. این امر نشان می‌دهد که نقش میرزا در میان سنگ‌مزارهای مردم محلی عمومیت نداشته و حک آن بر سنگ مزار، بیانگر انحصاری بودن و تعلق آن به متوفی با جایگاهی ممتاز و معرف شغل و منصب خاص او در جامعه بختیاری است.



شکل ۱. نقش میرزا (نگارنده، ۱۴۰۲)

جدول ۱. طرح‌هایی از نقوش انسانی





شکل ۲. نقوش انسانی بر سنگ مزارهای گورستان اسلامی شهسوار ایذه (نگارنده: ۱۴۰۲)

## ۶.۲. نقش مایه‌های حیوانی

از جمله نقش مایه‌هایی که بر سنگ مزارهای گورستان اسلامی شهبور ایذه دیده می‌شوند، نقوش حیوانات مختلف است. تمامی نقش‌های حیوانی حک شده بر این سنگ مزارها به دسته چهارپایان تعلق دارند و شامل شیر، بز کوهی (کل) و اسب هستند. تصاویر حیوانی در کنار نقوش گیاهی، کمترین میزان استفاده را نسبت به نقش‌های ابزارآلات جنگی و اشیاء داشته‌اند. با این حال، هرچند این نقوش محدودند، به راحتی توجه هر رهگذری را به خود جلب می‌کنند.

### ۶.۲.۱. نقش شیر

شیر شاخص‌ترین حیوانی است که در میان سنگ مزارهای دوره اسلامی ایذه دیده می‌شود. این حیوان درنده به دو صورت بر سنگ مزارهای اسلامی-ایرانی به نمایش درآمده است: نخست به عنوان نقش مایه تزئینی و دوم به صورت تندیس یا مجسمه. شیر از دوران باستان جایگاه ویژه‌ای در باورهای انسانی داشته است و در هنر و فرهنگ بسیاری از ملت‌ها نماد شجاعت، قدرت، دلاوری، آتش، پرتو خورشید، پیروزی، روح زندگی، سلطنت، عقل، غرور، مراقبت و محافظت شناخته شده است (صفی‌خانی و همکاران، ۱۳۹۳: ۸۰-۶۷).

در گورستان شهبور، نقش شیر کاملاً به صورت انتزاعی بر سنگ مزارهای اسلامی اجرا شده است. تمامی نقش‌های شیر بر روی سنگ مزارهای گونه مطبق کنگره دار شناسایی شده‌اند. مطالعات قوم‌باستان‌شناختی، با بهره‌گیری از مصاحبه با افراد مطلع محلی، نشان می‌دهد که این نقش ارتباط مستقیمی با شکارچی بودن شخص متوفی در زمان حیاتش داشته است.



شکل ۳. نقش شیر بر روی سنگ مزارهای گورستان اسلامی شهبور (نگارنده: ۱۴۰۲)

### ۶.۲.۲. نقش اسب

اسب از جمله حیواناتی است که به صورت نقش مایه تزئینی بر سنگ مزارهای گورستان اسلامی شهبور ایذه به نمایش درآمده است. نقش اسب معمولاً در حالت تاخت و تاز دیده می‌شود و در تصویرگری آن، به جزئیاتی همچون یال، سم و سایر ویژگی‌های

حیوان توجه ویژه‌ای شده است. این نقش از دوره‌های بسیار کهن بر نقوش صخره‌ای نقاط مختلف ایران نیز مشاهده می‌شود. برای مثال، نقش اسب در فلات ایران نخستین بار بر نقوش غارهای لرستان، از جمله هومیان و میرملاس، ظاهر شده است (طالیپور و دیگران، ۱۳۸۸: ۷).

از عصر آهن به بعد، نقش اسب بسیار چشمگیر شده و بر اغلب سفال‌ها و مهرهای این دوره مورد استفاده قرار گرفته است. با توجه به تاریخچه رام کردن اسب، می‌توان تا حدودی علت گسترش این نقش‌مایه در دوره‌های عصر آهن II و III را فهمید. استفاده از اسب به‌عنوان حیوانی ارزشمند و مرتبط با اهداف جنگی بسیار رایج بوده و به‌گونه‌ای که مادها آن را به‌عنوان مالیات به دربار آشوریان پرداخت می‌کردند (Lahafian, 2013: 339).



شکل ۴. نقش اسب بر روی سنگ مزارهای گورستان شهسوار ایذه (نگارنده: ۱۴۰۲)

### ۶.۲.۳. نقش بز کوهی (کل)

بز یکی از نقش‌مایه‌های حیوانی است که بر سنگ مزارهای گورستان شهسوار به دو صورت بز اهلی و بز کوهی (کل) حجاری شده است. دسته نخست، با شاخ‌های کوتاه و هم‌راستا، نمایانگر بز اهلی (زیررده هیرکوس) است. دسته دوم، با شاخ‌های بلند، تیز و قوس‌دار، متعلق به بز کوهی وحشی فلات ایران است که با نام‌های پازن و کل (زیررده آگاگروس) شناخته می‌شود. مهم‌ترین تفاوت ظاهری این دو دسته در اندازه شاخ‌هاست. هر دوی این جانوران برای ساکنان بومی شمال خوزستان آشنا هستند؛ بز کوهی وحشی در نشیب کوهسارها دیده می‌شده و بز اهلی جانوری محوری در زندگی جوامع روستایی منطقه بوده است. بزهای نیرومند که در میان مردم بختیاری «دوبر» نامیده می‌شوند، از آغاز اهلی‌سازی جانوران تاکنون پیشرو گله‌ها بوده‌اند و تبعیت رمه از این بز پیشرو، جایگاه ویژه‌ای در اقتصاد دامپروری منطقه ایجاد کرده است (طاهری و مردانی، ۱۳۹۸: ۱۱۵-۱۲۷).

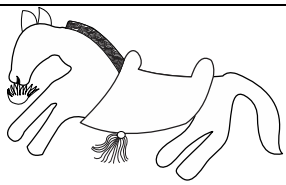

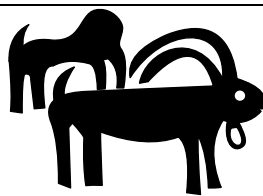

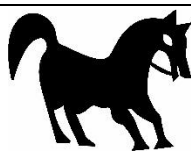
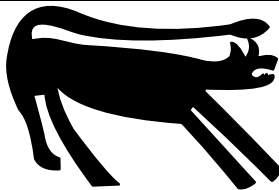
نقش بز کوهی در هنر ایران همواره جایگاه برجسته‌ای داشته و از غارنگاره‌ها و صخره‌کنده‌ها در پیشاتاریخ تا سفالینه‌های معاصر قابل مشاهده است. تصویر بز در کنار درخت زندگی از رایج‌ترین نقش‌مایه‌های هنر خاور باستان است. این حیوان پر قدرت از دیرباز مظهر قدرت و حیوانی جلودار رمه به شمار می‌رفته است (پوپ، ۱۳۳۸: ۱۰). همچنین، زندگی بز کوهی در

بلندای کوهساران و شباهت شاخ‌هایش به هلال ماه موجب ستایش آن و ارتباطش با باران و باروری شده است. شاخ‌های بز کوهی نمادی از نیروی فراطبیعی، الوهیت، سلطنت، قدرت، پیروزی، فراوانی گله و محصول، زاد و ولد و باروری به شمار می‌رود (کوپر، ۱۳۷۹: ۲۱۸).



شکل ۵. نقش بز کوهی (کل) (تصویر سمت راست و بز اهلی تصویر سمت چپ) بر روی سنگ مزارهای گورستان شهسوار ایذه (نگارنده: ۱۴۰۲)

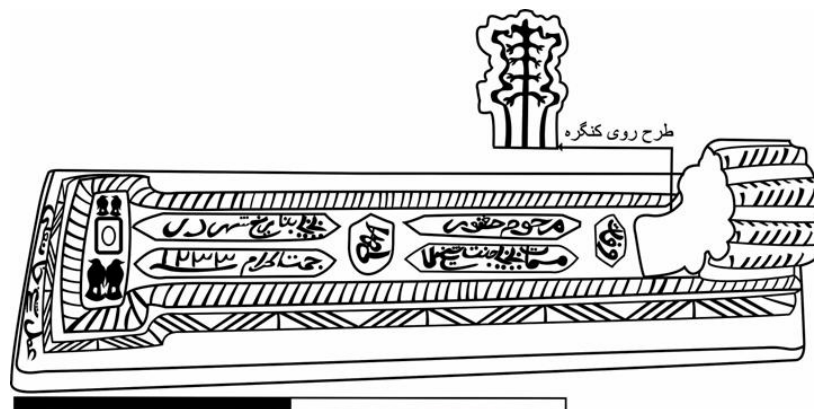
جدول ۲. طرح نقوش حیوانی بر روی سنگ مزارهای گورستان شهسوار ایذه (نگارنده: ۱۴۰۲)

تنوع حیوانات				
				
				

### ۶.۳. نقش مایه‌های گیاهی

نقش مایه‌های گیاهی، همراه با نقش مایه‌های حیوانی، کمترین سهم را در مجموعه نقش‌های تزئینی سنگ مزارهای گورستان شهسوار دارند. این نقش‌ها گاه به عنوان نقش اصلی تمام سطح سنگ مزار و گاه به صورت نقش فرعی بر کنگره‌ها اجرا شده‌اند. بر اساس مطالعات انجام شده، تمامی نقش‌های گیاهی تنها بر بدنه و کنگره‌های گونه مطبق کنگره‌دار حک شده‌اند و در سایر

گونه‌ها، مانند شیرسنگی، محرابی و انسانی، نمونه‌ای از این دسته نقش‌ها یافت نشده است. درخت زندگی تنها نمونه‌ای است که از این نقش‌مایه‌های گیاهی در گورستان اسلامی شهسوار مشاهده و ثبت شده است.



شکل ۶. طرح درخت زندگی بر روی سنگ مزارهای گورستان شهسوار ایذه (نگارنده: ۱۴۰۲)

#### ۶.۴. نقوش اشیاء و ابزارآلات جنگی

نقوش ابزارآلات نظامی بر روی سنگ مزارهای اسلامی در گونه‌های مختلف دارای معانی دوگانه‌ای هستند. این نقش‌مایه‌ها علاوه بر بیان پیشه و شغل شخص متوفی، حامل معانی نهفته فراوانی مرتبط با اسطوره‌ها، اعتقادات، آداب و رسوم، فرهنگ و دیگر جنبه‌های اجتماعی و تاریخی‌اند. سنگ مزارها، چه از نظر فرم (گونه‌ها) و چه از نظر نقش‌مایه‌های تزئینی حک شده بر بدنه، از تنوع گسترده‌ای برخوردارند؛ به گونه‌ای که بررسی ریخت‌شناسی و تحلیل نقوش آن‌ها اطلاعات ارزشمندی درباره باورها و اعتقادات آیینی ایرانی-اسلامی، جامعه‌شناسی تاریخی، فرهنگ و اوضاع سیاسی-نظامی ارائه می‌دهد. بر روی سنگ مزارهای اسلامی گورستان شهسوار ایذه، تصاویر ابزارهای نظامی متعددی اجرا شده است که شامل شمشیرهای هلالی بلند، خنجر (قمه)، نیزه، سپر، تفنگ، تپانچه و باروت‌دان می‌شوند.

##### ۶.۴.۱. نقش شمشیر هلالی بلند

مهم‌ترین نقش‌مایه ادوات نظامی که به‌طور گسترده بر سنگ مزارهای گورستان اسلامی شهسوار اجرا شده، نقش شمشیرهای هلالی بلند است. این سلاح جنگی اغلب بر بدنه شیرهای سنگی (ساده و کنگره‌دار) و گونه مطابق کنگره‌دار به تصویر کشیده شده و در موارد کمتر، بر روی گونه‌های محرابی و انسانی نیز مشاهده می‌شود.

##### ۶.۴.۲. نقش خنجر (قمه)

نقش خنجر بر تمام گونه‌های سنگ مزارهای گورستان اسلامی شهسوار، شامل شیر سنگی ساده و کنگره‌دار، مطابق کنگره‌دار، محرابی و انسانی، مشاهده می‌شود. در گونه‌های مجسمه‌ای، یعنی شیر سنگی و شیر سنگی کنگره‌دار، نقش خنجر اغلب همراه با نقوش تفنگ، تپانچه، گرز و دیگر ادوات نظامی و گاه اشیایی مرتبط با میهمان‌نوازی، مانند آب‌ریق و قلیان، به نمایش درآمده است.

### ۶.۴.۳. نقش سپر

نقش سپر در گورستان شهسوار ایذه، که غالباً به صورت دایره‌ای ساده اجرا شده است، بر گونه‌های متنوع شیرهای سنگی، از نوع ساده و کنگره‌دار تا مطبق کنگره‌دار و محرابی، دیده می‌شود. این نقش با بیانی مینیمال و بی‌پیرایه تصویر شده؛ گویی هنرمند بیش از پرداختن به جزئیات ظاهری، قصد داشته جوهره معنایی آن را بازتاب دهد. در کارکرد واقعی، سپر همراه همیشگی سربازان بوده و آنان هنگام نبرد آن را بر فراز سر یا مقابل سینه می‌گرفتند تا از ضربات شمشیر و نیزه دشمن محافظت کنند. همچون شمشیر، تیر و کمان و دیگر ادوات جنگی که نماد قدرت و توان رزمی‌اند، سپر در این سنگ‌نگاره‌ها فراتر از ابزار دفاعی، به نشانه‌ای شناخته‌شده از اقتدار، پایداری و حفاظت بدل شده است. بدین‌سان، نقش سپر بر سنگ‌مزارهای شهسوار ایذه نه تنها یادآور کارکرد عملی آن در میدان نبرد است، بلکه بازتابی از ارزش‌های فرهنگی و معنوی جامعه‌ای است که قدرت و صیانت را در قالب هنر سنگ‌تراشی جاودانه ساخته است.

### ۶.۴.۴. نقش گرز

از دیگر ادوات جنگی که بر سنگ‌مزارهای گورستان شهسوار نقش بسته، گرز است. این سلاح عمدتاً بر بدنه سنگ‌مزارهای شیر سنگی (ساده و کنگره‌دار) به نمایش درآمده و در سایر گونه‌های سنگ‌مزار گورستان شهسوار به‌طور محدود استفاده شده است. گرزهای حک‌شده بر سنگ‌مزار شامل دو بخش، دسته و گوی هستند؛ دسته به‌صورت میله‌ای باریک و در انتها به یک گوی بزرگ یا سر گرز ختم می‌شود. سر گرزها بر روی سنگ‌مزارها به اشکال مدور، مثلثی و لوزی مانند تصویر شده‌اند. مطالعات قوم‌باستان‌شناختی نگارندگان در میان مردم بومی شمال خوزستان (بختیاری) نشان می‌دهد که کتاب شاهنامه جایگاه رفیعی در میان اقوام بختیاری دارد. یکی از سلاح‌های پرتکرار پهلوانان ایرانشهر در شاهنامه، گرز است؛ از این رو احتمال دارد گرز نقش‌شده بر سنگ‌مزارهای گونه شیر سنگی، حالتی سمبلیک و نمادین از گرز رستم باشد. بررسی تاریخچه سنگ‌مزارهای گورستان شهسوار نشان می‌دهد که این آثار مربوط به دوره قاجار هستند، دورانی که اوج به‌کارگیری سلاح‌های گرم بوده و گرز کاربرد عملی چندانی نداشته است. بنابراین، نقش گرز بر سنگ‌مزارها، به‌ویژه در گونه شیر سنگی، جنبه نمادین و سمبلیک داشته و به‌منظور نشان دادن منش پهلوانی شخص متوفی اجرا شده است.

### ۶.۴.۵. نقش نیزه

نقش نیزه در کنار سایر ادوات جنگی به‌وفور بر گونه شیر سنگی در گورستان اسلامی شهسوار به تصویر کشیده شده و در گونه‌های دیگر به‌صورت محدود قابل مشاهده است. بررسی سنگ‌مزارهای دارای نقوش جنگ‌افزار نشان می‌دهد که نیزه برای نخستین بار بر سنگ‌مزارهای عصر ایلخانی به نمایش درآمده است. این ابزار در ادوار بعدی نیز بر سنگ‌مزارها نقش بسته و در دوره قاجار اوج استفاده آن در کنار سایر جنگ‌افزارها، همچون تفنگ و دیگر سلاح‌ها، مشاهده می‌شود. نقش نیزه بر سنگ‌مزارها طی قرون متمادی تغییر چندانی نیافته و در اکثر ادوار به صورت میله‌ای باریک و بلند با سرنیزه‌ای به شکل پیکان یا لوزی‌مانند به نمایش درآمده است. در دوره قاجار، نیزه‌های تصویرشده معمولاً در دست مردان سوارکار و به شکل بلندتری دیده می‌شوند (صدرایی و معروفی اقدم، ۱۴۰۱: ۴۳۶).

### ۶.۴.۶. نقش تفنگ و تپانچه

نقش تفنگ از جمله متداول‌ترین ابزارآلات جنگی است که بر سنگ مزارهای گورستان شهسوار ایذه به تصویر درآمده و در تمام گونه‌های سنگ مزار این گورستان قابل مشاهده است، هرچند بیشترین استفاده از آن بر گونه شیر سنگی متمرکز است. با توجه به تاریخچه استفاده از تفنگ در ایران، سنگ مزارهای دارای نقش این سلاح عمدتاً متعلق به دوره‌های صفوی و قاجار هستند. شایان ذکر است که بیشترین تعداد سنگ مزارها با نقش تفنگ به دوره قاجار تعلق دارد و نمونه‌های صفوی بسیار محدود و تنها در یک مورد (سنگ مزار شماره ۵۶۱) مشاهده شده است.

در دوره قاجار، نقش تفنگ بر سنگ مزارها به صورت نمادین برای نمایش شجاعت و دلیری مردان اجرا می‌شده است. این سلاح گرم به دو شکل، تپانچه و تفنگ لوله‌بلند (سرپر)، نمایش داده شده که هر دو نمونه در سنگ مزارهای دوره صفوی و قاجار دیده می‌شوند. در نقوش تفنگ لوله‌دار، هنرمند حتی بند تفنگ را نیز به تصویر کشیده است. مطالعات نشان می‌دهد که نقش مایه تفنگ در سنگ مزارهای گورستان شهسوار کاملاً مشابه نمونه‌های باقی مانده از عصر صفوی و قاجار است و جزئیات مهمی مانند لوله، قنداق، بند تفنگ و ماشه با دقت و زیبایی روی سنگ مزارها حک شده است.

### ۶.۴.۷. نقش باروت‌دان

باروت‌دان یکی از نقش‌های ابزارآلات نظامی است که اغلب در کنار نقش تفنگ لوله‌بلند (سرپر) بر گونه شیر سنگی اجرا شده است. این نقش به صورت محدودتر بر گونه‌های مطبق کنگره‌دار و محرابی-انسانی نیز حک شده است.

### ۶.۴.۸. نقش تازیانه

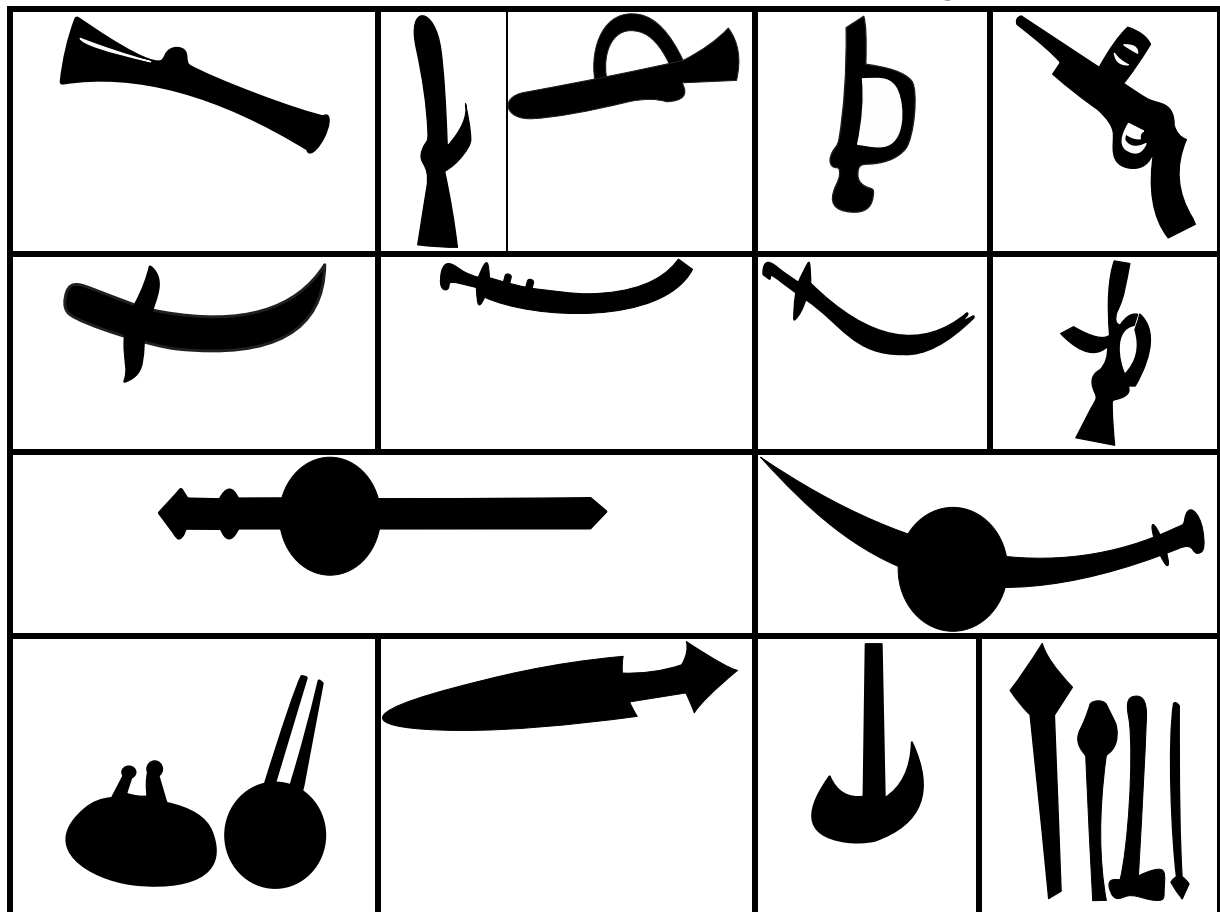
تازیانه یا شلاق ابزاری است که به صورت سنتی توسط انسان برای ایجاد ترس یا درد و کنترل حیوانات یا دیگر انسان‌ها به کار گرفته شده است. تازیانه دو نوع دارد: یک نوع سفت و محکم و نوع دیگر نرم و انعطاف‌پذیر که معمولاً بلندتر است. نقش این ابزار در کنار نقش مایه‌های ابزارآلات نظامی عمدتاً بر سنگ مزارهای گونه شیر سنگی و مزار مردان شناسایی شده است. تمامی تازیانه‌های بررسی شده در گورستان شهسوار ایذه، ترکیبی از دسته محکم و انتهای انعطاف‌پذیر داشته‌اند و این نوع ویژه، مختص استفاده در شکار تولید شده است. نقش تازیانه در کنار ابزارآلات نظامی مانند تفنگ، شمشیر بلند و خنجر، بیانگر جایگاه متوفی به عنوان سوارکار ماهر و شکارچی است.

### ۶.۴.۹. نقش غلاف تزئینی

بر روی سنگ مزارهای اسلامی گورستان شهسوار ایذه، نقش مایه‌ای شبیه به غلاف شمشیرهای بلند به طور گسترده بر گونه‌های شیر سنگی ساده و کنگره‌دار و گاه بر کنگره‌های مطبق کنگره‌دار اجرا شده است. این نقش بر سنگ مزارها به صورت شکسته و فلش مانند حک شده و مطالعات نشان می‌دهد که کاملاً بومی مناطق شمال خوزستان و جزئی از زیرگونه‌های ابزارآلات نظامی است که تنها بر مزار مردان حجاری شده است. وجود این نقش مایه ارتباط نزدیکی با مفاهیمی چون جنگجو و شکارچی بودن دارد و به همین دلیل اغلب همراه دیگر نقش مایه‌های ابزارآلات نظامی، مانند شمشیرهای بلند، خنجر، تبرزین، گرز و غیره، بر گونه شیر سنگی که مختص مردان نام‌آور بختیاری است، اجرا شده است.

مطالعات نشان می‌دهد که نقش مایه‌های ابزارآلات نظامی عمدتاً بر سنگ‌مزارهای مردان حک شده و بیشترین استفاده از آن‌ها در گونه شیر سنگی است، به صورت مجموعه‌ای از جنگ‌افزارها شامل تفنگ، تبرزین، باروت‌دان، شمشیر بلند، سپر و خنجر. نتایج به دست آمده ارتباط مستقیم نقش جنگ‌افزارها با جایگاه متوفی به عنوان شخصیتی ممتاز در ایل و طایفه را نشان می‌دهد. شیر سنگی متعلق به جنگاوران و افراد صاحب نفوذ ایل بختیاری است و نقش مایه‌های جنگ‌افزارها بیانگر نقش متوفی در جنگاوری، شکار و منصب اجتماعی اوست. داشتن سلاح گرم، همچون تفنگ برنو، و مهارت در استفاده از آن حتی پس از قرن‌ها، نشانه اصالت مردان بختیاری است. سوارکاری، تیراندازی، شکار و جنگاوری جزو افتخارات آنان محسوب می‌شود و ابزارآلات جنگی تکمیل‌کننده و بازتاب‌دهنده روحیه سلحشوری مردان بختیاری هستند. از این رو، نقش مایه‌های جنگ‌افزارهای نظامی بر سنگ‌مزارها به عنوان پکتوگرام، متوفی را به عنوان شخصیتی حائز اهمیت در ایل معرفی می‌کرده‌اند.

جدول ۳. طرح ابزارآلات نظامی (شمشیر، سپر، تبرزین، نیزه، قمه، تفنگ و پنجه، باروت‌دان (نگارنده: ۱۴۰۲))

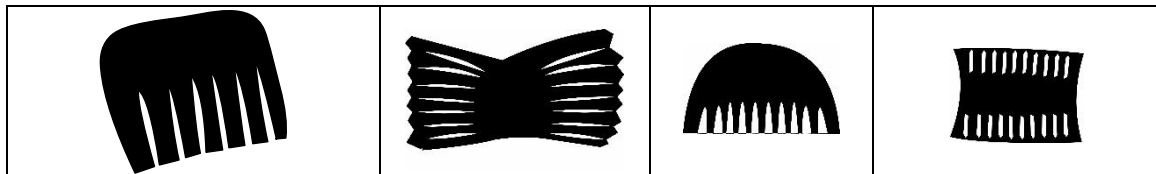


### ۶.۵. نقش شانه

شانه پرکاربردترین نقش مایه تزئینی بر سنگ‌مزارهای گورستان شهسوار ایذه است و به دو شکل اجرا شده است: یک طرفه (یک سر) و دوطرفه (دو سر). مطالعات میدانی و تحلیل داده‌ها نشان می‌دهد که نقش شانه در این گورستان و دیگر گورستان‌های شمال خوزستان صرفاً نشانه‌ای از جنسیت متوفی است و ارتباطی با شغل یا طبقه اجتماعی او ندارد. بررسی‌ها نشان داد که نقش

شانه، نقش عمومی است و بر همه گونه‌های سنگ مزار در منطقه ایذه حک شده است؛ شانه یک طرفه متعلق به مردان و شانه دوطرفه متعلق به بانوان است. مقایسه با دیگر گورستان‌های ایران نیز نشان می‌دهد که در سایر مناطق، نقش شانه لزوماً بیانگر جنسیت نیست.

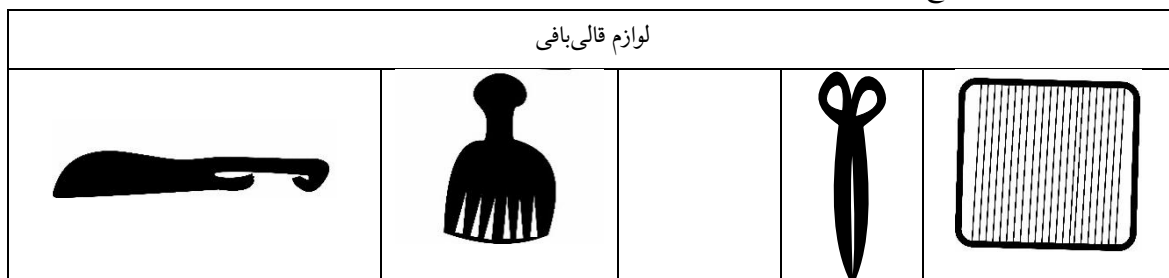
جدول ۴. طرح شانه یک طرفه و دو طرفه بر روی سنگ مزار گورستان شهسوار ایذه (نگارنده: ۱۴۰۲)



### ۶.۶. نقوش ابزارآلات قالی بافی (قیچی، کرکیت، دار قالی)

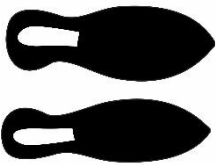
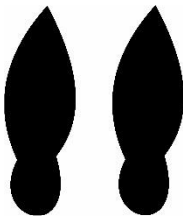
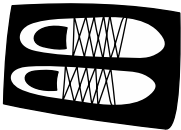

نقش‌های قیچی، کرکیت (برس قالی بافی) و دار قالی اغلب به صورت یک دسته و هم‌زمان بر سنگ مزارهای بانوان به تصویر درآمده‌اند. بیشترین استفاده از این نقش‌ها بر سنگ مزارهای گونه محرابی مشاهده شده است. این نقش‌ها ارتباط مستقیم و نزدیکی با حرفه و هنر بانوان بختیاری در قالی بافی دارند. هرچند می‌توان مفاهیم نهفته در بطن هر نقش را نیز بررسی کرد، اما باید توجه داشت که حک شدن این نقش‌ها بر سنگ مزارهای گورستان‌های شمال خوزستان، از جمله گورستان شهسوار، عمدتاً برای شناسایی حرفه متوفی به عنوان یک بانوی قالی باف چیره‌دست بوده و معانی نمادین در اولویت دوم قرار دارند.

جدول ۵. طرح ابزار قالی بافی بر روی سنگ مزارهای بانوان بختیاری در گورستان شهسوار ایذه (نگارنده: ۱۴۰۲)



### ۶.۷. نقش کفش

نقش کفش همراه با شانه، مهر و سجاده به طور گسترده بر سنگ مزارهای گورستان شهسوار و برای هر دو جنسیت (مردان و بانوان) حک شده است. در مواردی که سنگ مزار متعلق به بانوان است، این نقش در کنار نقش‌های قالی بافی به تصویر درآمده است. در سنگ مزارهای جدیدتر، کفش بانوان کمی پاشنه‌دار است و می‌توان تفاوت کفش مردان و زنان را تشخیص داد. کفش مردانه در میان مردم محلی به نام «گیوه» شناخته می‌شود؛ نوعی پاپوش سبک، بادوام و مناسب برای راهپیمایی‌های طولانی که تمام مراحل تولید آن دستی بوده و بیشتر از نخ قالی یا نخ ابریشم با کف پارچه‌ای ساخته می‌شود. بررسی‌ها نشان می‌دهد که این نقش مایه عمدتاً بر گونه شیر سنگی اجرا شده و بیشترین تکرار آن بر گونه‌های کنگره‌دار و محرابی-انسانی شناسایی شده است. تحلیل‌های قوم‌باستان‌شناختی نشان می‌دهد که هنرمندان سنگ تراش این نقش را جزو نقش‌های متوفیان ممتاز از نوع شیر سنگی محسوب نکرده‌اند.

نقش کفش روی قبور	
	
	

## ۷. نتیجه گیری

در ارتباط با نمادشناختی و کهن‌الگوهای نقش‌مایه‌های تزئینی بر روی سنگ مزارهای گورستان شهسوار، بیشترین نقش‌مایه‌ها متعلق به دوره قاجار شناسایی شده‌اند. به‌طور کلی، بر اساس الگوی آماری و پراکنش، این نقش‌مایه‌ها بر روی سنگ مزارها متعلق به دسته‌های ابزارآلات نظامی و اشیاء، نقش‌های انسانی، نقش‌های گیاهی، نقش‌های حیوانی و تزئینات کتیبه‌ای هستند. در طی دوران حکومت قاجار، نوعی تصویرسازی و نقاشی مرسوم گشت که بیشتر دارای موضوعات مذهبی و در کنار آن شامل موضوعات حماسی و ملی بود. بنابراین در این زمان، بازگشتی به گذشته و توجه به ملی‌گرایی در آثار هنری پدید آمد که این امر در سایر هنرها و حتی بر روی سنگ مزارها و نقوش آن نیز تأثیر عمیق گذاشت و به کار گرفته شد. در این دوره، هنر و نقوش هنری بیش از همه در ارتباط با باورها و اعتقادات توده مردم بوده است. در واقع، وطن‌دوستی و مفهوم ملیت که همزمان با دوره قاجار در اروپا حکمفرما بود، موجب گردید که در ایران نیز تفکر ناسیونالیستی و بازگشت به گذشته مورد توجه قرار گیرد و تمدن باشکوه ایران باستان تجلی‌گاه هنر و معماری خود قرار گیرد. این ایرانی‌گری نه تنها حاکمان قاجاری، بلکه زندگی و آثار هنری سایر اقشار جامعه را نیز تحت تأثیر قرار داد. بنابراین معماری و سایر هنرهای این دوره همچون نگارگری، کاشی‌کاری، سفالگری، فرش، نقوش برجسته، سنگ‌قبر و مجسمه‌سازی، کم و بیش با فرهنگ و هنر ایران باستان، نه با تقلید صرف، بلکه با تغییرات و رنگ و لعاب ایرانی-اسلامی آراسته شدند. این بدان معناست که باورها و آیین‌های گذشتگان، اگرچه ممکن است به شکل اولیه خود باقی نمانده باشند، اما حضور دوباره آن‌ها در ادوار بعد به دلیل ریشه عمیق این اعتقادات بوده است که در دوره‌های مختلف و حتی با تغییر شرایط اجتماعی، سیاسی و مذهبی همچنان باقی مانده‌اند. علی‌رغم تمامی اتفاقات دوره قاجار، آثار هنری این دوره نیز از شکوه خاصی برخوردار بوده و ضمن تأثیرات جزئی از غرب، بر هویت اسلامی و ملی ایرانی تأکید دارد. از طرف دیگر، وجود دو هویت ملی و اسلامی در آثار این دوره نیز به معنای تأکید کامل یا رد هیچ‌یک از آن‌ها نبوده و با وجود فراز و نشیب‌ها، همواره سعی بر آن بوده تا در آثار هنری، فرهنگ ایرانی-اسلامی مورد تأکید قرار گیرد. در میان سایر آثار دوره قاجار، سنگ‌مزارها به لحاظ تنوع فرمی و تنوع نقوش، شاهکارهای بی‌نظیری هستند که ریخت‌شناسی و واکاوی نگاره‌های انسانی، حیوانی، گیاهی، هندسی و ... قرار گرفته بر آن‌ها، در کنار هم اطلاعات ارزشمندی در ارتباط با باورها و اعتقادات مذهبی، تفکرات ایرانی-اسلامی، جامعه‌شناسی تاریخی، فرهنگ‌شناسی و ... ارائه می‌دهد. مطالعات بر روی

نقوش سنگ قبور منطقه مورد مطالعه نشان می‌دهد که هر یک از این نقوش، ضمن دارا بودن جنبه‌های نمادین و اعتقادی و تأثیر از جغرافیای منطقه، نوعی بازگشت به فرهنگ ایران باستان و تأثیر از ادوار گذشته، به‌خصوص دوران تاریخی، در آن‌ها قابل ردیابی است. این بازگشت به گذشته و ایرانی‌مآبی در نقوش گیاهی، حیوانی و انسانی سنگ قبور دوران قاجار قابل مشاهده است.

علاوه بر مبحث ملی‌گرایی و باستان‌گرایی، یکی دیگر از محورهای اصلی نقوش این دوره بعد مذهبی آن‌هاست. هنر دینی تنها محدود به نماز، روزه و حج و تزئین اماکن مذهبی نیست، بلکه هر نقشی که بتواند اهداف دینی را تحقق بخشد، نوعی هنر مذهبی محسوب می‌شود. در دوره قاجار، همان‌طور که در سنگ قبرهای شمال خوزستان (ایذه) مشاهده شد، بیشتر نقوش ساده موجود بر این سنگ قبرها دارای بعد مذهبی و معانی قدسی هستند. بنابراین، به نظر می‌رسد دلیل ترسیم این اشکال و نقوش چیزی فراتر از نشان دادن جنسیت فرد و معانی ظاهری آن‌ها بوده و بیشتر بیانگر تقوای متوفی است.

گونه‌های سنگ مزارهای گورستان شهسوار و نقش‌مایه‌ها و نگاره‌های بدنه، خصوصاً سنگ مزارهای دوره قاجار، به نوعی فضای فرهنگی منطقه شمال خوزستان را بازگو و تبیین می‌کند. هر سنگ مزار با توجه به شرایط فرهنگی، اجتماعی و دینی جامعه و فرد متوفی دارای مضامین تزئینی است. مضامین دینی شامل کتیبه‌های دینی (آیات و صلوات بر چهارده معصوم در حاشیه سنگ‌ها) و نقش‌مایه‌هایی همچون محراب، تسبیح، مهر و سجاده است. مضامین فرهنگی و اجتماعی نیز بیانگر تفکرات و اعتقادات شخص متوفی، شغل، پیشه و فرهنگ و طبقه اجتماعی او هستند. حتی گونه و فرم سنگ مزار نیز این مسائل، خصوصاً جایگاه اجتماعی فرد را نمایان می‌سازد.

به همین دلیل است که اغلب گورستان‌ها دارای انواع گونه‌ها با اشکال مختلف هستند؛ بسته به جایگاه اجتماعی متوفی، سنگ مزار او متفاوت بوده و بر برخی قبرها سنگ مزار نفیس و بر سایرین سنگ مزار ساده‌تر استفاده شده است. به طور کلی، ویژگی کلی سنگ مزارها اعم از نحوه استقرار و مکان آن‌ها، شکل و گونه سنگ مزارها و نقش‌مایه‌های حک شده، همگی متناسب با شخصیت و جایگاه متوفی در جامعه محلی می‌توانند متفاوت باشند.

## منابع

- افشار سیستانی، ایرج. (۱۳۶۴). *نگاهی به تاریخ خوزستان*. تهران: انتشارات هنر.
- اقتداری، احمد. (۱۳۵۹). *خوزستان و کهگیلویه و ممسنی*. تهران: انتشارات انجمن آثار ملی.
- پوپ، آرتور اوپهام. (۱۳۳۸). *شاهکارهای هنر ایران* (ترجمه پرویز ناتل خانلری). تهران: انتشارات فرانکلین.
- خورشیدی، اعظم. (۱۳۹۲). *پژوهشی مردم‌شناختی در مزارهای آرامگاه میرزا کوچک خان جنگلی در سلیمان‌داراب شهر رشت* (پایان‌نامه کارشناسی ارشد). دانشگاه گیلان.
- خزایی، محمد. (۱۳۸۰). *نقش شیر، نمود امام علی در هنر اسلامی*. کتاب ماه هنر، (۳۱-۳۲)، ۳۷-۳۹.
- شایسته‌فر، مهناز. (۱۳۸۹). *نماد به‌عنوان اساس زیباشناختی مضمونی هنر*. ماهنامه کتاب هنر، (۱۳۹)، ۹۴-۱۰۹.
- صراف، محمدرحیم. (۱۳۹۷). *نقوش برجسته ایلامی*. تهران: سمت.
- صدرایی، علی، و معروفی‌اقدم، اسماعیل. (۱۴۰۱). *پژوهشی بر بازتاب ادوات جنگی در نقوش سنگ قبور دوران اسلامی ایران*. فصلنامه علمی اثر، (۳) ۴۲، ۴۲۴-۴۴۶. <http://athar.richt.ir/article-2-901-fa.html>

- صفی‌خانی، نینا، احمدپناه، ابوتراب، و خدادادی، علی. (۱۳۹۳). نشانه‌شناسی نقوش سنگ‌قبور قبرستان تخت فولاد اصفهان. *هنرهای زیبا*، ۱۹(۴)، ۶۷-۷۶. <https://doi.org/10.22059/jfava.2014.55422>
- طاهری، صدرالدین، و مردانی، آنگین. (۱۳۹۸). شمایل‌شناسی نقش‌مایه بز کوهی در سنگ‌نگاره‌های جریت. *پژوهشنامه خراسان بزرگ*، ۱۱۵-۱۲۷. <https://dor.isc.ac/dor/20.1001.1.22516131.1398.9.36.6.5>
- فیضی، حسین. (۱۴۰۲). *مطالعه سنگ‌مزارهای گورستان اسلامی شهسوار ایذه* (رساله دکتری تخصصی). دانشگاه مازندران.
- فیضی، حسین، و موسوی حاجی، سید رسول. (۱۴۰۴). گونه‌شناسی سنگ‌مزارهای گورستان اسلامی شهسوار ایذه، خوزستان، ایران. *سینوس پرسیکوس*، ۳(۵)، ۳۱-۵۴. <https://doi.org/10.22034/sp.2025.518636.1027>
- کلاه کج، منصور، و نادری، زینب. (۱۴۰۲). تحلیل معنایی و ساختاری سنگ‌مزارهای مزارستان دوران اسلامی شهسوار ایذه. *پژوهش‌های باستان‌شناسی ایران*، ۱۳(۳۸)، ۲۰۷-۲۳۶. <https://doi.org/10.22084/nb.2023.24317.2336>
- کوپر، جفری سی. (۱۳۹۲). *فرهنگ نمادهای آیینی* (ترجمه رقیه بهزادی). تهران: نشر علمی.
- معین، محمد. (۱۳۶۴). *فرهنگ فارسی*. تهران: امیرکبیر.
- موسوی حاجی، سید رسول، فیضی، حسین، و هاشمی زرج‌آباد، حسین. (۱۴۰۲). شیر سنگی کنگره‌دار: نوعی از سنگ‌مزارهای اسلامی گورستان اسلامی شهسوار ایذه. *دوفصلنامه علمی نگارینه هنر اسلامی*، ۱۰(۲۶)، ۱۷۶-۱۸۵. <https://doi.org/10.22077/nia.2023.6548.1765>
- Lahafian, Jamal (2013). Rock Art in Kurdistan Iran. *Arts*, 2(4), 328-349. <https://doi.org/10.3390/arts2040328>